

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انظفنی بالهدی و الهمنی التقوی»

به مناسبت نزدیک شدن به عید و ایام عید و سفرهای چند صد هزارتا و میلیونی، فکر کردیم که در بین شما فیلم را پر کنیم که تذکراتی هم به پلیس بدهیم، هم به مسافر و هم به مردم. منتهی عنوان من درسهایی از قرآن است باید از قرآن بگویم. اگر از شما پرسیدند چه آیه‌ای در قرآن داریم که برای رانندگی خوب است. درست برانید، در رانندگی آرام، میزان، معتدل برانید. آیه‌ی رانندگی چیه؟

۱- آرامش و تواضع در نحوه حرکت بندگان خوب خدا

موضوع: رانندگی صحیح. قرآن می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ» آخر سوره‌ی فرقان است. کسی پای تلویزیون اگر خواست بنویسد، چند آیه‌ی آخر سوره‌ی فرقان است. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ» بندگان خوب خدا کسانی هستند که «يَمْشُونَ» یعنی راه می‌روند، «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ» روی زمین راه که می‌روند، «هُونًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان/۶۳) تا آخرش می‌گوید: «مَرُوءًا كِرَامًا» (فرقان/۷۲)، «هُونًا»، «سَلَامًا»، «كِرَامًا» خود اینها حرف دارد.

بنده‌ی خوب خدا وقتی راه می‌رود، شاخ و شانه برای کسی نمی‌کشد و آرام است. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ» کسی که بنده‌ی خداست، اصلاً آدم وقتی بنده باشد هیچوقت شاخ و شانه نمی‌کشد، نه در رانندگی. دستور هم بخواد بدهد، فکر می‌کند که بنده‌ی خدا که این رقمی دستور نمی‌دهد. با خانواده‌اش در خانه این رقمی حرف نمی‌زند. با بچه و شاگرد و زیر دست و بالای دستش این رقمی حرف نمی‌زند. گردن کلفتی نمی‌کند. تو معلوم می‌شود عبد نیستی. عباد جمع عبد است، عبد یعنی بنده. کسی که بنده است اینقدر شاخ و شانه نمی‌کشد. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ» بنده‌ی خدا وقتی راه می‌رود، «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ» همه‌ی زمین را هم می‌گوید. آخر بعضی‌ها در یکجا آرام می‌روند، یعنی اگر دوربین پلیس باشد، آرامش می‌کنند. دوربین نباشد، گاز می‌دهد. «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ» یعنی تمام زمین، نه جلوی چشم پلیس! اگر چراغ قرمز، اگر پلیس ایستاده باشد، می‌ایستد، نایستاده باشد، از چراغ قرمز چهارراه هم رد می‌شود. بنده‌ی خدا این است که «يَمْشُونَ» نمی‌گوید: «مَشَوْا» یعنی این کارش خوب بوده. «يَمْشُونَ» یعنی همیشه کارش خوب است.

در ادبیات عرب، «يَمْشُونَ» فعل مضارع است. «مشی» ماضی است، «يَمْشُونَ» مضارع است. مضارع برای استمرار است. پس بنده‌ی خدا در کارش استمرار دارد. یعنی همیشه است. اینطور نیست که ترمز کنیم، چرا یواش کردی؟ پلیس ایستاده! باز تند می‌رود، باز می‌گوییم چرا یواش شد؟ دوربین است. یعنی اصلاً برنامه‌اش گردن کلفتی است. اگر یکجا آرام می‌شود از جریه است، پس قرآن چه می‌گوید؟ امتحان هوش، کدام سوره بود؟ فرقان... می‌گوید: بنده‌ی خوب خدا چند شرط دارد. یکی این است که آرام است. چه خبر است؟ «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونًا» هون هم یعنی با تواضع، آرام است. آرام راه رفت.

۲- خطرات و آسیب‌های ناشی از رانندگی نادرست

سالی بیش از بیست هزار نفر و حالا دور و بر بیست هزار نفر، سالی بیست هزار نفر کشته، غیر از ویلچری و تصادفی و زخمی بیست هزار نفر که جنازه‌شان خاک می‌شود. سالی بیست هزار تا، کدام جنگ‌های دنیا سالی بیست هزار تا کشته دارد؟ ما به اندازه‌ی جنگ‌های دنیا پول و ضرر،

آنوقت این‌ها مسأله‌ی یک آدم هم نیست که بیست هزار تا آدم، بعضی آدم‌ها، آدم‌های کلیدی هم هستند، خیلی ما تلفات می‌دهیم. حالا من یک حسابی برای شما می‌آورم که چقدر پول خرج می‌شود و ایام عید، چه خانواده‌هایی داغدار می‌شوند. چقدر آدم یتیم می‌شود. یتیم‌ها را حساب نمی‌کنیم. زن‌هایی که بیوه می‌شوند. بچه‌هایی که یتیم می‌شوند. خنده‌ها گریه می‌شود. «وَعِبَادَ الرَّحْمٰنِ الَّذِیْنَ یَمْسُوْنَ عَلَی الْاَرْضِ هَوْنًا» بنده‌ی خدا آرام است.

ما باید احساس کنیم بنده هستیم. اگر بنده هستیم، آرام می‌شویم. اصلاً یادمان می‌رود مسلمان هستیم. حدیث داریم «المسلم» کیه؟ مسلمان کسی است که «وَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ» (فقیه/ج ۴/ص ۳۶۲) مسلمان کسی است که مردم از زبانش و کارهایش در سلامت باشند. آخر این رقم رانندگی جز ایجاد وحشت چیزی نیست. در این جاده چند نفر را ترساندی؟ ترساندن مؤمن، دیشب من یک حدیثی را دیدم، یک صلوات بفرستید. (صلوات حضار)

۳- دوری از آزار و اذیت دیگران در رانندگی

این حدیث را گوش بدهید. «مَنْ نَظَرَ اِلَی مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لَیْخِیْفُهُ» اگر کسی یک نگاه کند، کسی را بترساند، فقط همینطور با چشم‌هایش کسی را بترساند، «بِهَا اَخَافُهُ اللّٰهُ» (بخارالانوار/ج ۷۲/ص ۱۵۰) خدا روز قیامت این را می‌ترساند. حدیث دوم «مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطٰنٍ لَیْصِیْبَ مِنْهُ مَكْرُوْهُا» می‌گوید: بین می‌روم مثلاً به رئیس می‌گویم. اگر یک کسی را بترساند که می‌روم می‌گویم. به چه کسی؟ به یک مقام رسمی، آن بنده خدا نمی‌داند که آن مقام دستش به یک مسؤولی می‌رسد، می‌گوید: می‌روم به قوه‌ی قضاییه می‌گویم. به اطلاعات می‌گویم. به چه کسی می‌گویم؟ به کلانتری می‌گویم. اگر کسی، کسی را به خاطر یک رئیسی بترساند، اگر به او مشکل هم نرسد، در جهنم است. یعنی اگر موفق هم نشود، فقط ترساندی. «فَهُوَ فِی النَّارِ» جزایش نار است. اما اگر به آن رئیس گفت و آن رئیس هم یک سیلی زد و یک پرونده برایش درست کرد. اگر رسید، می‌گوید: «فَهُوَ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ آلِ فِرْعَوْنَ فِی النَّارِ» (بخارالانوار/ج ۷۲/ص ۱۴۸) در جهنم کنار فرعون او را می‌گذارند. یکبار دیگر بگویم. اگر کسی، کسی را تهدید کرد. گفت: برایت یک پرونده درست می‌کنم. تو را به فلانی ارجاع می‌دهم. کار تو را به فلان دادگاه می‌کشانم. به ناحق! آخر بعضی‌ها به حق است که هیچ! اگر کسی، کسی را ترساند که گزارش تهیه می‌کنم، پدرت را درمی‌آورم، اگر موفق نشود، جهنمی است. اگر موفق شد و ضربه‌ای وارد شد، جهنم «مَعَ فِرْعَوْنَ وَ آلِ فِرْعَوْنَ» این حدیث را دیشب دیدم.

حدیث دیگر، پیغمبر فرمود: «مَنْ اَذَى مُؤْمِنًا» خوب این رانندگی‌ها اذیت مؤمن است. «مَنْ اَذَى مُؤْمِنًا» کسی یک مؤمنی را اذیت کند، «فَقَدْ اَذَى اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِی عَرْشِهِ» (وسایل الشیعه/ج ۱۶/ص ۳۵۶) انگار خدا را در عرش اذیت کرده است. پیغمبر فرمود: «مَنْ اَذَى مُؤْمِنًا» اگر کسی یک مسلمانی را بترساند، «فَقَدْ اَذَانِی» (بخارالانوار/ج ۶۴/ص ۷۲) و هرکس آنها را اذیت کرده، خدا را اذیت کرده است. و کسی که خدا را اذیت کند، «فَهُوَ مَلْعُوْنٌ فِی التَّوْرٰةِ وَ الْبَیْبِلِ وَ الزَّبُوْرِ وَ الْفُرْقٰنِ»

بحار الانوار/ج ۶۴/ص ۷۲ در تمام کتاب آسمانی، کتاب یهودی‌ها، کتاب مسیحی‌ها، کتاب زبور، قرآن، در همه کتاب آسمانی

کسی که کسی را اذیت کند، انگار خدا را اذیت کرده است. این خیلی مهم است.

حالا اگر فقیر باشد، ماشینش شیک است، یک ماشین قراضه دارد، لک و لک می‌کند. یک شعر ما که بچه بودیم در کتاب‌ها

خوانده بودیم، می‌گفت: میازار موری که دانه کش است، که جان دارد و جان شیرین خوش است!

تحقیرش می‌کند، حالا شما پلیس‌ها هم همه نه، اما بعضی از شما ماشین قراضه‌ها را بیشتر تشر می‌زنید. اگر ماشین بنز بود،

بفرمایید کنار! اگر پژو بود، برو کنار! اگر ژیان قراضه بود، بکش کنار! این هم برای پلیس‌ها!

حدیث داریم... البته بعضی‌ها... «من آذی مؤمناً فقیراً بغیر حق» کسی یک فقیر را به خاطر اینکه ماشینش قراضه است. شل

می‌رود. اذیتش کند، «فکأنما هدم مکة عشر مرات» **ارشاد القلوب/ج ۱/ص ۱۹۴** انگار مکه را ده بار خراب کرده است. مؤمن

خیلی آبرو دارد. ما راحت هرکس را می‌خواهیم می‌ترسانیم، به هرکس بخواهیم تحقیر می‌کنیم. هر کلمه‌ای را به هرکس بخواهیم

نثار می‌کنیم. کسی به کسی بگوید: آدم احمقی هستی، باید شلاق بخورد. جامعه‌ی ما متأسفانه درونش هم حرف زشت است، هم

رانندگی بد هست. برخورد بد هست. تهدید بی‌جا هست. ژست بی‌جا هست.

یک حدیث دیگر هم برایتان بخوانم. هرکاری بکنی، خدا با تو می‌کند. «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا آذَاهُ اللَّهُ» **(مستدرک/ج ۹/ص ۱۰۰)**

«آذی»، «آذی». اذیت کنی، اذیت می‌کنم. «مَنْ أَحْزَنَهُ أَحْزَنَهُ اللَّهُ» **(مستدرک/ج ۹/ص ۱۰۰)** حزن، محزون، یعنی غمناک.

غمناکش کنی، خدا با هر غصه‌ای که شده تو را غصه می‌دهد. غصه‌اش بدهی، غصه‌ات می‌دهد. «وَمَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ بِنَظْرَةٍ تُخِيفُهُ

بِغَيْرِ حَقٍّ أَوْ بَجَفَاءٍ يُخِيفُهُ اللَّهُ» **(مستدرک/ج ۹/ص ۱۰۰)** بترسانی، تو را می‌ترسانند. غصه‌دارش کنی، غصه‌دار می‌شوی. اذیتش

کنی، اذیت می‌کنند. این چند حدیث را دیشب من از کافی و مستدرک و اینها دیدم.

۴- تندروی در رانندگی، عامل تصادف و ترافیک

برادرها و خواهرها عید مردم را عزا نکنید. هروقت بنا است، برسی، می‌رسی. خیلی هم سرعت بروی، در ترافیک باشد، چراغ

باشد، هرچه در جاده تند رفتی که... یک حدیث داریم که افرادی که تند نماز می‌خوانند، بیرون می‌دوند، خدا به آنها می‌گوید:

کجا می‌روید؟ نماز خواندی یک دعایی بکن. کجا می‌دوی؟ این فکر می‌کند بدود به کارش می‌رسد. نمی‌داند بدود گیر من است.

ما دست خودمان نیست گاز بدهیم. ماشین‌های تعلیم رانندگی را دیده‌اید؟ ماشین‌های تعلیم رانندگی ولو این آقایی که آمده

رانندگی یاد بگیری، گاز و ترمز زیر پایش است. ولی همه کاره هم نیست. گاهی گاز می‌دهی ولی بغل دستی تو ترمز می‌کند.

شما می‌دوی به کارهایت برسی، خدا می‌گوید: نمی‌گذارم برسی. دو تا چراغ قرمز نگه می‌دارم، چون حال گرفتی، حالت را

می‌گیرم.

احترام بگذاری، مردم احترام می‌گذارند. من یک خاطره‌ای را خیلی قدیم از آیت الله خزعلی شنیدم. آیت الله العظمی بروجردی،

کسی بود که همه مراجع فعلی شاگرد او بودند، تقریباً تمام علمای فعلی شاگرد آقای بروجردی بودند. استاد مراجع بود. ایشان

بلند شد مشهد رفت، زیارت امام رضا. مسجد گوهرشاد مشهد، آیت الله نهانندی امام جماعت بود. وقتی می‌بیند آیت الله

بروجردی از قم به مشهد آمده است، به احترام آقای بروجردی، دیگر مسجد نمی‌آید، مسجد گوهرشاد را به ایشان می‌دهد.

می‌گوید: شما تا مادامی که مشهد هستید، شما امام جماعت باشید. سجاده‌اش را به او می‌دهد. احترام می‌کند. خوب حقش هم

همین بود. قصه تمام می‌شود و بعداً آقای نهاوندی، توفیقی پیدا می‌کند از مشهد به کربلا می‌رود، نجف! آقای بروجردی مشهد آمده بود، ایشان هم کربلا زیارت می‌رود. به امام جماعت نجف خطاب می‌شود که سجاده‌ات را به آقای نهاوندی بده. از علمای مشهد است، تا نجف آمده است مثلاً ایشان امام جماعت حرم باشد. بعد می‌گفت: من این کلمه را در حرم شنیدم. حالا لحنش چطور بوده، سبکش چطور بوده نمی‌دانم. ولی این کلمه به ایشان القاء شده بوده. جا دادی، جا دادم! یعنی آقای نهاوندی، نصفش را من می‌گویم، نصفش را شما بگویید. آقای نهاوندی، سجاده ببر مشهد، به آقای بروجردی دادی. من به آیت الله نجف گفتم: سجاده‌اش را به شما بدهد. جا دادی، جا دادم! «آذی، آذی»، «احزن، احزن»، «یحییف، یحییف» بترسانی، تو را می‌ترسانم. غصه‌دار کنی، تو را غصه‌دار می‌کنم.

«مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا» (مستدرک/ج ۱۲/ص ۱۰۲) اگر چاه بکنی بهر کسی، اول خودت، دوم کسی! این چاه کندن برای کسی «مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا» هرکس برای دیگران، مردم آزاری نکنید. این مقدار موعظه است. غیر موعظه هم ما داریم که اگر کسی، کسی را بکشد، چقدر ضامن خون او می‌شود.

حتی اگر یک مظلومی کشته شد و شما در یک لحظه ایستادی و نگاهش کردی، نگاه به این کار هم گناه است. چرا ساکت شدی؟ باید داد بزنی، نهی از منکر کنی. ولذا حدیث داریم روز قیامت یک قطره خون به لباس انسان می‌چکد. می‌بیند یک قطره خون چکید. می‌گوید: برای چه بود؟ می‌گوید: یک نفر را به ناحق کشتم، تو در یک قطره شریک هستی. البته بخشی‌اش برای پلیس و مردم هست. بخشی هم برای وزارت راه است. بخشی هم برای کارخانه‌ای است که ماشین تولید می‌کنند. این یک مثلث است. جاده، راننده، کارخانه! جاده باید سالم باشد. چون بهترین ماشین و رانندگی، جاده خراب، راننده هم باید درست براند. راننده، جاده، ماشین، ماشین‌ها هم باید ماشین درستی باشد.

۵- توجه به سالم بودن خودرو، هنگام مسافرت

یک خاطره از امام بگویم. امام چهارده سال در نجف تبعید بود. گاهی شب جمعه کربلا می‌رفت. خوب بین نجف و کربلا یک ساعت راه است. کمتر هم هست. می‌فرمود: امشب کربلا برویم، یک ماشین خوب تهیه کنید. چند بار که امام فرمود: ماشین خوب، بعضی آقایان دور و بر امام حساس شدند. گفتند: چرا امام در عمرش نمی‌گوید یک کباب خوب، یک نان خوبی، فرش خوبی، میوه‌ی خوبی، ولی به ماشین می‌گوید: ماشین خوب. یکبار گفتند: آقا شما در بحث سفارش ماشین می‌گویید: خوب، ولی چیز دیگر را خوب نمی‌گویید؟ میوه می‌خواهیم تهیه کنیم، نمی‌گویید: میوه خوب. گفت: میوه نارس آدم را نمی‌کشد. نان خالی آدم را نمی‌کشد. آدم روی گونی بنشیند، جای فرش آدم را نمی‌کشد. اما ماشین قراضه آدم را می‌کشد. باید ماشین هم درست باشد. ساختمان هم همینطور است. یک حدیثی هم شاید برای شما نو باشد. برای من که نو است. کسانی که در بنایی از مصالح بد استفاده می‌کنند، خداوند به اینها اجر نمی‌دهد. «لَمْ يُؤَجَّرْ» (کافی/ج ۳/ص ۲۱) چرا این مصالح غیر استاندارد مصرف کردی؟ می‌خواهی ساده باشی، لازم نیست قالی کنی. خانه‌ات را موکت کن. اصلاً خانه‌ات را گونی کن، روی گونی بنشین. اما آجرها و سنگ و آهنش، در و پنجره‌اش، باید استاندارد باشد. گازش، لوله‌کشی گازش، لوله‌کشی آبش، صرفه‌جویی جا دارد. خیلی وقت‌ها اصلاً صرفه‌جویی غلط هست. در ساختمان باید دقت کرد.

خدا عمری بدهد من چهل، پنجاه بحث دارم مخصوص نظام مهندسی است، چون سیصد هزار تا مهندس در نظام مهندسی ایران داریم که عضو هستند. من فکر کردم اگر همین سیصد هزار تا بدانند که اسلام راجع به آجر چه می‌گوید؟ راجه به گچ چه می‌گوید؟ راجه به رنگ خانه؟ راجع به مساحت خانه، راجع به آشپزخانه، راجع به اتاق پذیرایی، اسلام راجع به فاضلاب، لوله‌کشی، راجع به برق و آب، راجع به همسایه، راجع به زمینی که در آن بنایی می‌کنیم. چند صد نکته در قرآن و حدیث من تا به حال پیدا کردم. خودم هم بهت زده شدم و باور نمی‌کردم، با اینکه من بیش از پنجاه سال است که طلبه هستم، اما هی می‌فهمم اسلام را نفهمیدم. هرچه می‌روی عمقی دارد.

حدیث داریم اگر کسی حیوان را اذیت کند، نه خودش را، خودش که انسان است. کسی حیوانش را اذیت کند نه در راه دیدن صله رحم و خواهر و برادر و عمه و خاله و دایی، در راه مکه حیوانش را اذیت کند از اعتبار می‌افتد. حدیث است. توجه کنید چه می‌خوانم. امام فرمود: اگر همه حاجی‌ها دوشنبه مکه آمدند. یک حاجی یکشنبه آمد، یک حاجی یک روز زودتر آمد، این امضایش در دادگستری از اعتبار می‌افتد. می‌گویند: چرا؟ می‌گوید: حاجی که زود مکه آمده است، معلوم می‌شود اسبش را در راه دوانده است. و کسی که اسبش را در راه مکه خسته کند، از عدالت می‌افتد و امضایش قابل قبول نیست. ما یک چنین حدیثی داریم.

۶- خطر همواره در کمین است

بعضی‌ها هم مغرور هستند. من پایه یک دارم. اگر بنا شد بیافتی، پوست خیار زیر پایت باشد می‌افتی. حالا من ۱۲۰ کیلو هستم. با ۱۲۰ کیلو بودنت می‌افتی. این پایه یک باعث می‌شود که تمکین نکنی. ما تا به حال خوابمان نبرده است. خوب حالا خوابت می‌برد. چه دلیلی است که تا حالا خوابمان نبرده است. مثل اینکه بنده بگویم، من ۳۴ سال است در تلویزیون هستم، هنوز دسته گل آب ندادم. ممکن است در همین سخنرانی. یک کسی سیگار که می‌کشید، برای اینکه کم مصرف کند، این سیگار را سه قسم می‌کرد. سیگار را روی دستش گذاشته بود، می‌برید، همینطور سیگار را سه قسم می‌کرد و بعد می‌گذاشت به فی سیگار می‌کشید. یکبار که سیگار را در دستش گذاشته بود و داشت تیغ می‌زد، به او گفتند: آقا این تیغ دستت را نبرد. گفت: ما یک عمری است سیگار کشیدیم. تا به حال نبریده‌ام. تا گفت: نبریده‌ام! تا «میم» را گفت خون ریخت! یعنی همان لحظه‌ای که فکر می‌کنی تا حالا نبریدی، همان است. تا حالا تصادف نکردم، حالا تصادف می‌کنی.

من خوابم بگیرد، کنار می‌زنم. آخر خواب که نمی‌گوید: توجه توجه! دارم می‌آیم! خواب بیاید متوجه نمی‌شوی. این فکر می‌کند خواب یک میخ است که به آدم فرو می‌رود و آدم می‌فهمد. نه خواب میخ نیست که به آدم فرو برود و آدم بفهمد. خواب مثل یک مویی است که به صورتت بچسبد. آدم نمی‌فهمد.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ» بنده‌ی خوب خدا کسی است که آرام رانندگی کند. «بِمَشْئُونِ عَلَيِ الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» احساس کنیم مقلد هستیم. بالاخره ما مسلمان‌ها مقلد هستیم از مراجع. شما فتوای امام را می‌دانی؟ تخلف از قوانین نظام جمهوری اسلامی شرعاً حرام است. من نمی‌دانم اگر عبد هستی، که «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» بنده خدا نباید این رقمی... اگر مسلمان هستی، مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند. اگر تقلید می‌کنی، مرجع تقلیدت می‌گوید: این کار را نکن.

اصلاً اگر نه عبد هستی، نه مسلمان هستی، نه مقلد مرجع، آدم که هستی. به قیمت تعاونی حساب کن که مشتری شوم! بگو: آقا من حزب اللهی نیستم. مسلمان هم نیستم. اصلاً هیچی... انسان هستی یا نه؟ انسان حق آرامش دارد یا نه؟ تو با این رانندگی‌ات آرامش انسان را بر هم می‌زنی. گیرم اصلاً یهودی، کسی که مسلمان هم نباشد، وجدان که دارد. آخر این چه رقم حرکتی است که تو می‌کنی. اگر عبد هستی، «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» آرام راه برود. اگر امت پیغمبر هستی، فرمود: مسلمان باید طوری حرکت کند که مردم از دست و زبانش در امان باشند. اگر مقلد مراجع هستی، می‌گویند: تخلف نکن. اگر یک انسان هستی فقط انسان خالی، انسان هم هستی، حق انسانیت این است که مردم حق دارند با آرامش زندگی کنند و این رقمی آرامش را بر هم می‌زنی.

حالا اسلام چه دین خوبی است. واقعاً شما که پای تلویزیون نشستید، باور می‌کردید که اسلام یک آیه برای نحوه‌ی حرکت داشته باشد؟ «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» مؤمن، بنده‌ی خدا باید آرام حرکت کند. برای رانندگی هم آیه داشتیم. اسلام برای درخت‌های خیابان هم آیه دارد. برای جوی آب هم آیه دارد. برای طبقات ساختمان حدیث دارد. برای کارگر، کارگر ساده هم باید یک مهارتی دیده باشد. اگر کسی کارگری را بخواهد که هیچ مهارتی ندارد، فقط کارگر است. این برای رانندگی است.

۷- دوری از بداخلاقی در اندنگی

گاهی وقت‌ها در رانندگی به هم حرف زشت می‌زنند. کلمات بدی به هم رد و بدل می‌کنند. قرآن می‌گوید: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»، «اذا» یعنی زمانی که، «خاطب» یعنی مخاطب، یعنی رو در رو شدید. جاهل هم که می‌دانیم جاهل است. اگر با آدم‌های جاهل روبرو شدید، چرت و پرت گفت، «قَالُوا سَلَامًا» تا آمد سلام کند، از کنارش رد شو. مگر کور هستی! بگو: سلام علیکم! این آیه‌ی قرآن هست. قرآن می‌گوید. بنده خوب خدا کسی است که اگر یک... من کورم! پیاده می‌شود ننه‌ات کور است. بابایت کور است. جد و آبادت کور است. بزنی بزنی! یک دعوا می‌شود، بابا حالا گفت: کور است، رد شو. بد کرد گفت، اما شما این جرعه را تبدیل به یک جریان نکن. بعضی از ما یک قاشق ماست گیرمان بیاید، به جای اینکه قورتش بدهیم، می‌زنیم به همه دیگ‌های شیر آنها هم ماست می‌شود. یعنی فتنه درست می‌کنیم. جرعه را جریانش می‌کنیم. مؤمن، «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ»

من عید هم خانه‌ی ایشان نمی‌روم. چرا؟ ایشان جواب سلام مرا نداد. یا بد داد. یا دعوتم نکرد، یا تحقیرم کرد. آقاجون، آخر عید است. «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ» جاهل است دیگر... کافر که نشده، روی نادانی یک کلمه‌ی زشتی گفته است. «قَالُوا سَلَامًا» این آیه‌ی قرآن است. من و تو مسلمان هستیم. با مسالمت رد شو. شتر دیدی، ندیدی!

کسی ظرف آبی را خدمت امام آورد، این ظرف نمی‌دادم چطور شد به سر امام خورد. امام نشسته بود، ظرف آب خورد و امام یک نگاهش کرد، تا نگاهش کرد، این کسی که آورده بود گفت: «وَالْكَافِرِينَ الْعَظِيمِ» (آل عمران/ ۱۳۴) آیه‌ی قرآن است. یعنی غیظت را آرام کن. امام گفت: باشد. بعد از «وَالْكَافِرِينَ الْعَظِيمِ» این جمله است. «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» یعنی از مردم عفو کنید، ببخشید. گفت: تو را بخشیدم. «وَالْكَافِرِينَ الْعَظِيمِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۳۴) خدا نیکوکاران را... برو برای خودت باش. اصلاً نمی‌خواهد در خانه‌ی ما کار کنی. ظرف آب را در صورت امام زد، امام ناراحت شد، تا

نگاهش کرد، گفت: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» تام. «وَ الْأَعْفِينَ عَنِ النَّاسِ» تو را بخشیدم. «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» آزاد! خیلی قشنگ است. یک صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

یک خاطره هست من دهه‌ی اول و دوم به نظرم در تلویزیون گفتم. ولی الآن دهه سوم هستیم. آدم‌ها عوض شدند. بعضی‌ها مرا می‌بینند، اول می‌گفتند: آقای قرائتی ما پای برنامه‌های تو بزرگ شدیم. بعد ده، دوازده سال که گذشت، گفت: پدر و مادرم می‌نشیند. حالا بعضی‌ها می‌گویند: مادر بزرگم می‌نشیند. یعنی ما معلوم می‌شود نسل منقرض هستیم. من یک خاطره می‌خواهم بگویم. سه، چهار دقیقه طول می‌کشد. می‌گوی ند وقت تمام شد... نمی‌توانم بگویم.

آثار سوء تصادف را بگویم. ۱- به جا گذاشتن یتیم. این کلید است. حالا یک یتیم به خاطر نداشتن پدر چه ضربه‌های اجتماعی، ضربه‌های روحی و روانی، ضربه‌های علمی، ضربه‌های اجتماعی، خیلی... فقط آدم نگوید، یتیم. به جا گذاشتن یتیم. به جا گذاشتن زن‌های بیوه. این هم با یک فرهنگی که در ایران است که دو زنه از آدم کشی بدتر است.

یک کسی یکوقت در تلویزیون بود آخوند هم نبود ولی دو تا زن داشت. یک زن گفت: این را خاموش کن. چون این دو تا زن دارد، من تا آخر عمر به حرف‌هایش گوش نمی‌دهم. یعنی الآن و حال اینکه من نمی‌دانم واقعاً اجازه بدهید هرچه زن‌ها گفتند. من این را در دانشگاه تهران گفتم، گفتم: مردها حرف نزنند. فقط خانم‌های دانشجو، هرچه گفتید من به رأی شما عمل می‌کنم. ما اگر یک میلیون زن بیوه داشته باشیم که شوهرش را در اثر تصادف یا طلاق از دست داده است، جوان است و شوهر هم ندارد. پنج راه به شما می‌گویم. هر کدام را شما رأی دادید، عمل می‌کنیم، اگر هم رأی ندادید، من هرچه شما گفتید، من امروز می‌خواهم مقلد خانم‌ها باشم.

۱- یک میلیون زن جوان بیوه به درک! چه کسی رأی می‌دهد! هیچکس!

۲- پسرها بیایند بیوه‌ها را بگیرند. نه این کار را می‌کنند، تازه دخترها روی دست می‌مانند. (خنده حضار) این هم مورد دوم.
۳- بروند گناه کنند. آزادشان کن دیگر. هرکس هر کاری می‌خواهد بکند. چه کسی رأی می‌دهد که زنان بیوه به فساد کشیده شوند؟

۴- همه مثل حضرت مریم پاک و معصوم هستند. همه متقی هستند. باسمه تعالی دروغ است.

۵- اگر یک مردی از نظر بدنی، خانه، ماشین، تلفن، توانست دو تا خانواده را اداره کند، اداره کند. اول خانم‌ها گارد گرفتند، بعد گفتم: هرچه شما بگویید. من پنج راه بیشتر به عقلم نرسیده است. گناه کنند. بسوزند و بسازند، به درک! پسرها اینها را بگیرند، نه! مثل حضرت مریم معصوم هستند، هیچ راهی نیست. البته مردهای عیاشی پیدا می‌شوند، از چند زنی عیاشی می‌کنند. پیغمبر زن‌های متعدد داشت. ولی براساس شهوت نبود. چون آدمی که براساس شهوت است، زن دومی خوشگل‌تر از اولی است. زن پنجمی خوشگل‌تر از چهارمی است. پیغمبر اینطور نبود. زن‌هایی بودند که اصلاً کسی اینها را نمی‌گرفت. (خنده حضار) شوهر مرده، داغ دیده، چند یتیم، از شوهر اول داشتند. هرکس حرف دارد، بیاید آقا ما دو تا از این زن‌های پیغمبر را البته حرام است ولی اصلاً در دنیای خیال ببینیم می‌تواند تصور کند که یک زن بگیرد که شوهرش مرده است و چهار تا هم یتیم دارد. هیچ شاعری نیست، خود زن‌های بیوه مشکل اجتماعی است. یتیم مشکل روانی، اجتماعی و تربیتی است. بودجه‌ای که خرج

معلولین، بهزیستی می‌شود، تقسیم بر تصادفات کردیم با ماشین حساب، هر یک نفر که از دنیا می‌رود یک میلیارد خرجش است. یعنی هزار میلیون تومان. و معلولینی که ویلچر می‌شوند بیش از یک میلیارد خرجشان است. چشم مصنوعی، دست مصنوعی، ویلچر، بهزیستی، تأمین اجتماعی، بیمارستان، پرستار، دکتر، اینها را همه روی کاغذ آوردیم، یک نفر، یک میلیارد تومان! حالا خرج دفن و کفنش چند میلیون می‌شود. یعنی بروند خاکش کنند و یک اشکنه هم بخورد. خرج‌های ارزانش چند میلیون می‌شود؟

امیدوارم که این بحث ما یک اثری روی افراد جامعه بگذارد. بد است سالی بیست هزار نفر کشته در حوادث رانندگی، آخر ما بعضی جاها سرفراز هستیم. بعضی جاها سر ما از خجالت پایین است. ایران در تصادفات سرش پایین است. کشور خودتان است. این هم که دارد می‌رود برادرت است. خواهرت است. هم وطن تو است. هم شهری تو است. خدایا تو را به حق محمد و آل محمد همه سفرها را بی‌خطر بفرما. عقل رانندگی ما را بالا ببر.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»